

بحران تولید در اپل و سرنوشت کارگران

فریده ثابتی

دوشنبه ۱۲ اسفند ۱۳۸۷

اپل که امروز بخشی از کنسرن عظیم آمریکایی جنرال موتورز (GM) است در کشورهای آلمان، اتریش، ایتالیا، اسپانیا، بلژیک و لهستان دارای مراکز تولید اتومبیل یا اجزای مربوط به آن است. اپل در آلمان تاریخچه ای طولانی دارد. تاریخ تولد آن در سال ۱۸۵۷ در آلمان است. ابتدا چرخ خیاطی و سپس دوچرخه تولید می کرد و در سال ۱۸۹۸ به تولید خودرو روی آورد. در سال ۱۹۱۲ تعداد کارگرانش ۳۰۰۰ نفر بود که در یک سال ۳۰ هزار دوچرخه و ۳۰۰۰ خودرو تولید کردند. در سال ۱۹۲۴ با تغییر تکنیک، تولید انبوه تر امکان پذیر شد و در همین دهه با قرار گرفتن سهامش در بازار بورس جنرال موتورز به خرید سهام آن اقدام کرد. در جریان بحران بزرگ جهانی سرمایه داری در سال ۳۰/۱۹۲۹ چون همیشه دنیای کارگران در هم ریخت و توان کاهش نرخ سود کارخانه را ۷۵۰۰ کارگر پرداختند که اخراج یا باز خرید شدند. در دهه ۱۹۶۰ اپل بعد از فولکس واگن دومین تولید کننده بزرگ خودرو در آلمان بود. دهه ۱۹۹۰ بدترین دهه در تاریخ زندگی کارگران اپل بود. شرایط درونی بحران در این دهه تدریجا تکامل یافت و با آغاز قرن ۲۱ تشدید شد از سال ۲۰۰۱ در نرخ رشد اقتصادی در کشورهای فوق پیشرفته شتابان به عنوان مثال آلمان سیر نزولی گرفت و تدریجا به صفر نزدیک شد و سپس با تمهیداتی که سرمایه در دستور کار خود قرار داد اندکی بهبود یافت اما هیچگاه حتی به ۲٪ هم نرسید.

در اولین دهه قرن ۲۱ کارگران اپل بار دیگر توان بحران سرمایه داری را پرداختند. در این سال سهم اپل از بازار جهانی خودرو به ۹/۱٪ سقوط کرد و میزان سود مورد انتظار پایین آمد. برای جبران کاهش سود ابتدا به طور مثال در کارگاه بوخوم تعداد کارگران به حدود ۶,۰۰۰ نفر کاهش یافت یعنی یک سوم کارگران به شیوه های مختلف به درون ارتش بیکاران پرتاب شدند. کارگران قرارداد موقت و شرکتی اولین گروه بودند، بازنشستگان پیش از موعد و باز خریدی ها نفرات بعدی. در آغاز این دهه تعداد کارگران اپل ۵۷,۴۰۰ نفر و فروش سالانه اش نزدیک به ۲۴ میلیارد مارک آلمان بود. از میانه دهه ۹۰ مرتب از تعداد کارگران کاسته شد به نحوی که در سال ۲۰۰۶ به ۲۷,۶۶۱ نفر رسید. مهم ترین کارگاه های تولیدی آن در آلمان عبارت اند از روسلهایم با ۱۸,۳۰۰ نفر شاغل که سالانه ۲۷۰,۰۰۰ خودرو تولید می کند، ایزناخ در تورینگن با ۱۹۰۰ کارگر که از سال ۱۹۹۲ شروع به کار کرده و مدرن ترین کارگاه اپل آلمان است و مدل کورسا در آن جا تکمیل می شود و به بازار روانه می گردد، بوخوم با ۵۳۰۰ کارگر که در سال ۱۹۶۲ ایجاد شد و تولید سالانه آن ۲۴۰,۰۰۰ اتومبیل است، و بالاخره کایزرلوترن با ۳۵۰۰ کارگر.

علاوه بر آلمان GM در کشورهای دیگر اروپایی از جمله انگلیس با نام Vauxhall سالانه ۱۳۰,۰۰۰ مدل آسترا را تولید می کند، بلژیک با ۳۸۰۰ کارگر سالانه ۲۰۰,۰۰۰ اپل آسترا را تکمیل می کند، کارگاه اتریش که با ۱۶۰۰ کارگر در سال ۱۹۹۸ ایجاد شد و مدل سآب ۳-۹ را تولید می کند، فرانسه با ۱۷۰۰ کارگر اپل مووانو، تیگرا و

میل لنگ اتومبیل تولید می کند، سوئد با ۴۹۰۰ کارگر سالانه ۱۰۰,۰۰۰ سآب ۳-۹ و ۵-۹ را تولید می کرد که اولین کارگاهی بود که بعد از بحران اخیر به کلی تعطیل شد و همه کارگراتش بیکار شدند، اسپانیا سالانه ۴۹۰,۰۰۰ مدل کورسا و مریوا را تولید می کند اما به اپل آلمان تعلق ندارد و بالاخره کارگاه لهستان که به خاطر نیروی کار ارزان ماهر درست در زمانی که کارگران اپل آلمان با اخراج مواجه بودند در سال ۱۹۹۸ تاسیس شد و با ۲,۸۰۰ کارگر سالانه ۱۹۰,۰۰۰ اپل مدل آگیلا، آسترا و سفیر و هم چنین میل لنگ اتومبیل تولید می کند.

بحران ۲۰۰۸ که سعی کردند آن را به بحران مالی در آمریکا محدود کنند، با گسترش تدریجی خود به سایر شاخه های اقتصادی و کشورهای سراسر جهان، نشان داد که چون از ساختار مناسبات حاکم ریشه می گیرد قوی تر از خواست سرمایه داران است و خود را به کل ساختار نظام تحمیل می کند. در آلمان نیز براین روال ابتدا مقامات بالای کشوری و اقتصادی اعلام کردند که بحران آمریکایی است و شرایط اقتصادی در آلمان مستحکم و با ثبات است. اندکی بعد گفتند با وجود شرایط ثبات اقتصادی به عنوان همبستگی با آمریکا برای کمک به قائق شدن بر بحران در پروژه ی چتر نجات بانکی شرکت می کنیم و در اندک زمانی پارلمان که برای افزودن ماهانه چند یورو به حقوق بیکاری II کارگران هفته ها وقت برای بحث نیاز داشت کمک در مجموع ۱۰۰+۵۰۰ میلیاردی را تصویب کرد و به اعتراضات توده ای واقعی ننهاده و بعد از آن نیز به طور مستمر خبر از کمک های دولتی به بانک ها در صدر اخبار قرار دارد.

بحران ابتدا در آمریکا دامن کارگران GM را گرفت. پنج کارگاه بسته شد و ۴۷,۰۰۰ نفر از کارگران آن بیکار شدند. به سادگی نوشیدن جرعه آبی در مجموع آرامش زندگی حدود ۲۰۰,۰۰۰ انسان برهم خورد و حتما بسیاری نیز با ناتوانی از پرداخت قسط مسکن سرپناه خود را نیز از دست داده اند. در فوریه باردیگر GM مساله کاهش کارکنان را مطرح کرد و با وجودی که تاکنون مبلغ ۱۳,۴ میلیارد دلار کمک دولتی دریافت کرده است دوباره خواهان ۱۶,۶ میلیارد دلار دیگر کمک های دولتی است. در زمینه چینی برای دریافت کمکها GM اعلام کرد که در سال ۲۰۰۸ مبلغ ۳۰,۹ میلیارد دلار ضرر کرده است که روزانه سر به ۸۰ میلیون دلار می زند. اگر دستیابی به دفاتر واقعی سود و زیان امکان پذیر بود آنگاه می شد نشان داد که این ادعا تا چه حد واقعیت دارد و حاصل استثمار این همه کارگر در دو قاره به کجا رفته است.

در اپل آلمان برای مقابله با بحران کنسرن مادر در حله اول اتحادیه مثال قدرتمندترین اتحادیه آلمان پا پیش گذاشت و به نفع سرمایه قرارداد جدیدی را به امضا رساند که طی آن ۱۰٪ از دستمزد کارکنان با همان ساعات کار قبلی، کاهش یافت یعنی ده درصد از حاصل کار زنده کارگر دوباره به کار مرده تبدیل شد و با اعلام شادمانه این که ما جلوی اخراج و بیکاری را با این کار گرفتیم به سرمایه تقدیم شد. اما سرمایه به آن تمکین نکرد و مدتی بعد GM اعلام کرد که می خواهد کارگاه های اپل در آلمان را ببندد و به نگره داری آن علاقه ای ندارد. در مورد اپل مساله پیچیده تر است. از یک طرف با وجود یک کاسه شدن سرمایه و جهانی بودن آن که اولاً با سرمایه گذاری مستقیم موجب استثمار مستقیم کارگران در سراسر جهان می شود و دوما سرمایه را در ارزش اضافی تولید شده در سراسر جهان به طور غیرمستقیم شریک می کند ظاهرا باید دعوا و رقابت و ملیت سرمایه پایان گیرد. اما در اصل این گونه نیست و کماکان رقابت نقشی موثر دارد و ملیت نیز در مواقع بحرانی با وجود همه کوشش های متحد کننده

سربرمی آورد. و دولت ها به نمایندگی از سرمایه برای منافع ملی که همان منافع سرمایه دارن است اما به نام حمایت از کارگران خودی وارد گود می شوند. در گزارش های مختلف قبلی نقش دولت آلمان را زمانی که پای بسته شدن یک مرکز تولیدی وابسته به کشوری دیگر در میان است توضیح داده ام و ای کاش این گونه بود که همواره کارگران مورد حمایت بودند. اما این یک روی سکه است و آن روی سکه چیز دیگری است که اصل مسئله را تشکیل می دهد..

شاخه اروپایی GM از نظر اقتصادی وضعیت چندان وخیمی ندارد و تا کنون ضرر اعلام شده اش مبلغ ۱/۶ میلیارد یورو بوده است. اما می گوید که به ۹ میلیارد یورو نیاز دارد تا بتواند طبق معمول به کار ادامه دهد. کارگران همه کارگاه های سراسر اروپا به طور گسترده بر علیه بسته شدن کارخانه و از دست دادن مشاغل خود دست به تظاهرات و گردهمایی های بزرگ زده اند. ترس از آینده و نبود یک افق ضد سرمایه داری کارگران را به درخواست کمک دولتی برای نجات کنسرن کشانده است. آن ها خواهان استقلال اپل از کنسرن مادر و تبدیل آن به یک کنسرن اروپایی شده اند. اما مسئله حق امتیاز و انحصار تولید که به GM تعلق دارد مشکل دیگری است و اگر او از دادن حق امتیاز تولید به اروپا خودداری کند از نظر قانونی آن ها حق تولید نخواهند داشت. به همین سبب روز جمعه مدیر اپل و واکسال برنامه خود را برای نجات کنسرن دختر به هیات نظارت تشکیل اپل ارائه داد. وی که پیشنهاد جدا شدن از کنسرن مادر و تشکیل یک مجموعه اروپایی همراه با سایر کنسرن های خواهر در اروپا را داده است و در همین زمینه با جنرال موتورز نیز مذاکراتی انجام داده که نتیجه آن چشمداشت مشارکت ۳۰ تا ۵۰ درصدی اروپایی بوده است. زیرا می خواهد با حفظ ارتباط با کنسرن مادر از پیشرفت های تکنیکی آن استفاده کند. در این میان به دلیل نزدیکی انتخابات احزاب به ویژه حزب سوسیال دموکرات که رابطه نزدیکی با رهبران اتحادیه ها دارد از اجتماع اعتراضی کارگران برای تبلیغات حزبی خود سوء استفاده می کنند. دولت مرکزی و سه دولت محلی ای که شعبات اپل در آن جا قرار دارد تصمیم به پرداخت کمک های دولتی برای جلوگیری از بستن کارگاه ها توسط GM گرفته اند. تا کنون با ۳ میلیارد کمک موافقت شده است که در دو نوبت تا پایان سال جاری پرداخت خواهد شد. اما چنان که آمد اپل نیازش را ۹ میلیارد یورو اعلام کرده است. این که این کمک به چه صورتی خواهد بود، آیا مقدار آن تغییر خواهد کرد و آیا وام دولتی خواهد بود که می گویند باید تا پایان سال ۲۰۱۵ بازپرداخت شود یا به صورت سهام دولتی خواهد بود این ها همه در هفته آینده معلوم خواهد شد. به هر حال، همه این مبارزات ده ها هزار نفره برای ادامه بقای زندگی و برای حفظ محل کار و گریز از بیکاری است و برای کارگر وقتی مبارزه ضد سرمایه داری نباشد فرقی نمی کند که مالکیت با سرمایه داران خصوصی باشد یا با دولت نماینده سرمایه داران.

فریده ثابتی

۲۸ فوریه ۲۰۰۹

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری